

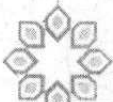
گوهرهای ناب زندگی

(در وصف پدر و مادر)

www.ketab.ir



علیرضا فرهنگ



سرشناسه	فرهنگ، علیرضا، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	گوهرهای ناب زندگی در وصف پدر و مادر/ نویسنده علیرضا فرهنگ.
مشخصات نشر	تهران، نشر پید، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۷۱ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	622-6918-91-6978-
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۷۱.
موضوع	والدین -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	Parents-- Religious aspects-- Islam
موضوع	احترام و تکریم -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	Respect -- Religious aspects -- Islam
رده‌بندی کنگره	۶/۲۵۳BP
رده‌بندی دیویی	۴۴۶/۲۹۷
شمار کتابشناس ملی	۵۹۷۳۱۶۲

گوهرهای ناب زندگی

مؤلف: علیرضا فرهنگ

صفحه‌آرایی: زهرا جردفرد

طراح جلد: محمدرضا سلیمان

ناشر: انتشارات پید

تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، کوچه مهدی‌زاده،

شماره ۲۷، واحد ۱۲

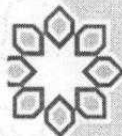
تلفن: ۰۹۱۸۳۶۳۰۱۳۱ - ۴۴۲۴۲۷۵۱

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰

هزینه این کتاب چند نفر از اقوام و ارادتمندان به پدر برای شایسته

ایشان تقبل گردید.



فهرست

- ۱.....مقدمه
- ۲.....درس اول: احترام به پدر و مادر کلید بهشت اعمال
- ۳.....درس دوم: احترام به پدر و مادر راهی به سوی شناخت و بندگی خدا
- ۴.....درس سوم: وقت گذرای برای حفظ جایگاه و احترام به پدر و مادر
- ۵.....درس چهارم: نگاه به جمال پدر و مادر عبادتی بدون جایگزین
- ۶.....درس پنجم: احترام به پدر و مادر راهی برای کسب مغنویت در زندگی
- ۷.....درس ششم: رکنای حسر از مادر غافل نشدن
- ۱۰.....درس هفتم: احترام به مادر آفاره گناهان بسیار بزرگ انسان
- ۱۱.....درس هشتم: احترام به پدر و مادر باعث جلب رضایت خدا در زندگی
- ۱۲.....درس نهم: احترام به پدر و مادر توفیق انسان را زیاد می کند
- ۱۳.....درس دهم: احترام به پدر و مادر بی استفاده از ربی بی منت
- ۱۵.....درس یازدهم: احترام به پدر و مادر درس تواضع و فروتنی
- ۱۶.....درس دوازدهم: احترام به پدر و مادر درس عدالت و محبت و رزی در زندگی
- ۱۷.....درس سیزدهم: احترام به پدر و مادر در هر حالتی از زندگی سرافراز نشود
- ۲۰.....درس چهاردهم: احترام به پدر و مادر بهترین وسیله رسیدن به امام زمان (عج)
- ۲۱.....درس پانزدهم: اجر بیشتر احترام به پدر و مادر در زمان پیری
- ۲۲.....درس شانزدهم: احترام به پدر و مادر باز کردن درب استجابت دعا در هر حال
- ۲۶.....درس هفدهم: احترام به پدر و مادر و آداب صحبت کردن
- ۲۷.....درس هیجدهم: احترام پدر و مادر با ادای حقوق آنان
- ۲۸.....درس نوزدهم: مواظب نگاهمان در مورد پدر و مادر باشیم
- ۳۰.....درس بیستم: احترام به پدر و مادر باعث احترام گذاشتن فرزندان به انسان می شود

- درس بیستم و یکم: احترام به پدر و مادر سپر عذاب فرزند در قبر و قیامت ۳۱
- درس بیست و دوم: پدر و مادر مایه برکت در رزق و روزی ۳۲
- درس بیست سوم: احترام به پدر و مادر کفاره بزرگترین گناهان ۳۳
- درس بیست و چهارم: آقایان بهشتیان احترام کنندگان به پدر و مادر ۳۳
- درس بیست و پنجم: احترام کننده به پدر و مادر در عرش سیر می کنند ۳۵
- درس بیست و ششم: احترام به پدر و مادر با یادآوری گذشته و کودکی خود ۳۵
- درس بیست و هفتم: اجابت نیاز پدر و مادر واجب تر از عمل مستحبی ۳۷
- درس بیست و هشتم: احترام به پدر و مادر یعنی با نرمی با آنان رفتار کردن ۳۹
- درس بیست و نهم: بی مایه به طور ویژه باید مورد توجه باشد ۴۰
- درس سیام: احترام به فرزندان احترام به پدر و مادر است ۴۱
- درس سی و یکم: احترام پدر و مادر کافر و بی دین چرا؟ ۴۱
- درس سی و دوم: احترام به پدر و مادر برگ را به تاخیر می اندازد و یا شیرین می کند ۴۲
- درس سی و سوم: احترام به پدر و مادر واجب است قبل از اول قبر را آسان می کند ۴۳
- درس سی و چهارم: چرا باید به پدر و مادر ما احترام کنیم و آنان را ناراضی نکنیم؟ ۴۳
- درس سی و پنجم: پدر و مادرها برای حفظ جایگاه خود و اخلاقیات و تارهای خود با فرزندان باشند .. ۴۵
- درس سی و ششم: احترام بی منت باشد چرا که آنان منتی ندارند ۴۷
- درس سی و هفتم: احترام و رعایت حقوق والدین همراهی با والدین در قیامت ۴۹
- درس سی و هشتم: دیده شدن جایگاه والدین حتی در فرزندان خردسال ۵۱
- درس سی و نهم: خدمت به پدر و مادر و رسیدن به درجات عالی در آخرت ۵۱
- درس چهلم: احترام کنندگان به پدر و مادر نشانه شیعه واقعی ۵۳
- درس چهل و یکم: چند عمل برای هدیه به پدر و مادرائی که از دنیا رفته اند ۵۴
- منابع ۶۳

مقدمه

مدت ها در فکر این بودم که پیرامون جایگاه و ارزش پدر و مادر مطالبی را علیه قلم ناتوان و قاصر به رشته تحریر درآورم؛ ولی توفیق این مهم میسر نمی شد تا اینکه با کمال تأسف دست تقدیر یکی از ارکان بزرگ زندگی، پدر عزیز، مربی و استادم، را از من گرفت. رفتن او در عین تألم و حسرت چنان تأمل برانگیز و عبرت آموز بود که حقیر را بر آن داشت تا مآذران از زندگی این مرد خدا را با توجه به آیات و احادیث برای قدرتی از پدر و مادرم و آگاهی بخشی و معرفت افزایی نسبت به جایگاه عظیم و مقام رفیع و شایخ پدر و مادر برای همه کسانی که از این گوهرهای الهی بهره مند هستند به قلم تحریر بکشم. آری رفتن انسانها از این دنیا متفاوت است. فرشته مرگ عده ای را در حالی از این دنیا جدا می کند که وابستگی و علاقه آنها به دنیا و آرزوهای آنان موج می زند که مثل علاقه فرزندان به پستان مادر یک جدایی سخت و بیامرساست. ولی عده ای را با همان روحيات و علائق اخروی و بندگی خدا از این دنیا جدا می کند مثل شخصی که گلی خوشبو را استشمام می کند و با عطر دل انگیز آن گل به خوابی عمیق و راحت فرومی رود. هر چند جدا شدن از این دنیا برای مومنان نیز متفاوت است؛ هر کسی به اندازه ای که ایمانش قوی تر باشد روحش راحت تر از کالبد جسمش خارج و به عالم دیگر منتقل می شود. از خدای متعال با همه وجودم برای پدر با آن حیات طیبه و نوع رفتنش از درگاه حضرت حق آرزوی غفران و بخشش

می‌نمایم و برای روح آن مرد فرزانه و انسان متعبد و وارسته آرامش در خانه ابدی را خواهانم. او در حالی از این عالم فانی پا به عالم باقی گذاشت که عمر شریفش مملو از خاطرات معنوی و صفات خوب اخلاقی چون عفو و بخشش، صبر، استقامت، حلم و بردباری، خوش خلقی و خوش روئی و تقوا و پاکدامنی بود. صفاتی در حد و اندازه خود بلکه بالاتر از انتظار از انسانی کم‌مدعا، ساده و بی‌آلایش. امید است این نوشتار برای خوانندگان مفید و راهگشا و عبرت‌آموز باشد.

درس اول: تراه به پدر و مادر کلید بهشت اعمال

به یاد دارم که پدر عکسی از مادر مرحوم خود را بالای سر نصب کرده بود و هر صبح و سهام به آن عکس و چهره مادر نگاه می‌کرد و در نگاه وی همان مهر و محبت دوان حیات مادر موج می‌زد. یادم است روزی برای دست‌بوسی به خدایت ایشان رسیدم. بعد از خداحافظی چیزی را در اتاق جا گذاشتم. ناگزیر به اتاق برگشتم و دیدم که پدر با دست بر روی عکس مادرشان می‌کشد و با او نجوای دلسوزانه می‌کند. گذاشتم در همان حالت بماند این گوشه‌ای از ارتباط او با مادر با عالم دیگر بود. از صفات برجسته پدر احسان عجیب و بی‌نظیر به مادرش بود چرا که به زبان خودش او برایش هم پدری کرده بود و هم مادری. پدرم در بدو تولد پدرش را از دست داد. ولی فوق‌العاده در احترام به مادر همت داشت. من در سن ۱۲ سالگی بودم که شاهد وفات مادر بزرگم بودم ولی هنوز ارادت عجیب پدرم را نسبت به مادرش فراموش نمی‌کنم روزی نبود که با نوازش و محبت‌های خود مادر را مثل یک گل در دامن خود حفظ و مواظبت نکند. بزرگترهای من که بیشتر با او بودند حرفهای زیادی برای گفتن دارند آری او مزد آن محبت‌ها را گرفت. البته این مهر و محبت پدرم نسبت به مادرش تا واپسین لحظات عمر همراه وی بود و

با روح و جسم و جان وی عجین شده بود. هر هفته برنامه همیشگی اش ساعت ها قرائت قرآن بر مزار پدر و مادر بود. ساعت‌هایی که همراه با طلب آموزش برای آنها به نجوای و سخن گفتن با آنان سپری می‌شد. باید امروز او را سربلند ببینیم. آری! او دری از درهای بهشت را به روی خود باز کرد که هر کسی توفیق ورود از این در به بهشت را ندارد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و اله) فرمودند:

«من أصبح مطيعاً لله في الوالدين، أصبح له بابان مفتوحان من الجنة و ان كان واحدا فواحدا»

کسی که دستور الهی را در مورد پدر و مادر اطاعت کند، در بهشت به رویش باز خواهد شد. اگر فرمان خدا را در مورد یکی از آنها انجام دهد یک درب گشوده می‌باشد. (ترمذی، ج ۱۶، ص ۴۶۷)

درس دوم: احترام به پدر و مادر و به سوی شناخت و بندگی خدا
پدر اهل عبادت و مناجات با خدا بود. در منزل یا مطالعه می‌کرد یا دعا می‌خواند و یا قرآن به دست از هر فرصتی استفاده می‌کرد و به تلاوت آیات قرآن مشغول بود و اجازه نمی‌داد وقت از دستش ببرد. او وقتی فراغت داشت سعی می‌کرد وقتش را تلف نکند او با هر آن خط ساده و سواد عادی قدیمی خود مطالبی را شامل حدیث، حکمت و یا دعا معنوی یادداشت می‌کرد و آنها را در مسیر جمکران برای زائران با زبان ساده و سوزناک خود می‌خواند و گاه مداحی می‌نمود و گریه می‌کرد. به قول خودش خدا دری از دعای مادر به رویش باز کرده بود که او را در مسیر جمکران و قم و بعضاً مشهد قرار داده بود. او سالها با همین روایاتی که از منبرها و کتابها دیده بود برای مردم به زبان ساده حرف می‌زد و همین باعث زیاد

شدن شناخت او نسبت به خدا بود. از این رو اگر خواستی کسی را در قالب یک عارف بینی بدان هیچ کسی به عرفان نمی‌رسد مگر اینکه در مقابل والدین خود متواضع و فروتن باشد. رمز این نکته را امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند:

«بر الوالدین من حسن معرفة العبد بالله اذ لا عبادة اسرع بلوغا

بصاحبها الى رضى الله من حرمة الوالدین المسلمین لوجه الله تعالى»

یکی به پدر و مادر نشانه شناخت شایسته بنده خداست.

زیرا هیچ عبادتی زودتر از رعایت حرمت پدر و مادر

مسلمان به خاطر خدا انسان را به رضایت خدا نمی‌رساند.

(بهار انوار، ج ۷۴، ص ۷۷).

درس سوم: وقت گاهان به حفظ جایگاه و احترام به پدر و مادر

او همیشه می‌گفت مادر خیلی راییم سختی کشید و من باید تا توان دارم

جبران کنم. پدرم در تمام طول زندگی خود تلاش عاشقانه‌ای از خود

نشان داد تا بتواند بخشی از زحمات مادرش را جبران کند. برای کسب

رضایت مادر وقت می‌گذاشت. فرزندان او نیز این رفتار را در عمل

می‌دیدند و سعی بر این داشتند که مثل او شوند و به لطف و عنایت

حق تعالی تا آخر عمر پدر دعای خیر او شامل‌شان بود. بنده حقیر سر و

پا تقصیر که با دعای پدر و مادر در سلک طلبگی وارد شایسته‌ها زندگی

خود را مدیون آنها می‌دانم. مشوق اصلی خود را برای ورود به سلک

طلبگی پدرم می‌دانم. پدری که همیشه می‌گفت آرزویم این است که

یکی از فرزندانم را در لباس پیامبر ببینم. می‌دانم فراموش نمی‌کنم علی

رغم کوتاهی‌هایی که کرده‌ام و به هیچ وجه نمی‌توانم ادعا کنم حق پدر

و مادر را ادا کردم ولی طی کردن مسیر برایم سخت نبوده بلکه با عشق

مسیر دیدنش راه طی می‌کردم و با اعتقاد به دعا و عنایتش زندگی را سپری می‌کردم. متأسفانه افرادی را سراغ دارم که چشم پدر و مادر را به درنگه داشته با آنکه مسیری برای طی کردن نیز ندارند ولی خود را از این نعمت بزرگ الهی محروم کرده‌اند. آنها سود و ضرر را در مادیات و امور دنیایی جستجو می‌کنند، غافل از اینکه رضایت پدر و مادر هم سود دنیایی دارد و هم اخروی. لذا نباید فکر کنیم مسیر طولانی را طی کنیم مگر بر پدر و مادر گذاشته‌ایم. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

سَرِّ نَتْنِینَ بِرِ الْوَالِدِیْکَ، سَرَّ سَنَةِ صَلِّ رَحْمَکَ. أُوصِیَ الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِ الْغَائِبِ وَمَنْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى یَوْمِ الْیَاقَمِ بَرِّ الرَّحْمَنِ وَ إِنْ سَافَرَ أَخَذَهُمْ فِی ذَٰلِکَ سَتْنِینَ فَإِنَّ ذَٰلِکَ مِنْ أَمْرِ الدِّینِ

دو سال راه به پدر و مادرت نیکی کن، یکسال راه برو و صله رحم انجام بده. (یعنی اگر پدر و مادرت در فاصله دوری هستند که دو سال با پدر و مادر بروی تا به آنها برسی و نیکی کنی ارزش دارد. (بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۷)

در حدیثی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: سفارش می‌کنم امت حاضر و غایب را از آنها دوری را که در پشت مردان و زنان هستند تا روز قیامت؛ به پدر و مادر خود نیکی کنند، اگر چه به فاصله دو سال راه بروند تا به آنان برسند، زیرا این کار جزء دین است.

درس چهارم: نگاه به جمال پدر و مادر عبادتی بدون جایگزین
حقیقتاً با دیدن چهره نورانی پدر آرامشی خاص پیدا می‌کردم. خنده‌های

شیرین او و تکه کلام‌های آرام بخش او جذاب و دلنشین بود مثلاً وقتی با او روبه‌رو می‌شدم او با یک عطش خاصی با بوسه‌های خود به قول خودش جگرش را خنک می‌کرد ولی من شرمنده‌ای بودم که نمی‌توانستم بیشتر خدمت او باشم. چقدر تاسف می‌خورم که توفیق درک بیشتر حضورش را از دست دادم. به خدا قسم نگاه به او و همنشینی با او چنان در وجودم آرامش ایجاد می‌کرد که وقتی به شهری که در آن مأموریت داشتم می‌رفتم در اشتیاق بازگشت نزد ایشان لحظه‌شماری می‌کردم. آری من می‌دانستم نگاه به او عبادت است و چقدر از دیدن چهره آرامش‌بخش ایشان لذت می‌بردم. پیامبر (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید:

«مَنْ رَأَى لِدَالِي وَالِدِيهِ حَبَا لَهَا عِبَادَةً»

رنگار محمدی: آمیز فرزند به پدر و مادرش عبادت است (بحار

الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰).

درس پنجم: احترام به پدر و مادر برای کسب معنویت در زندگی

پدر بسیار بر نماز اول وقت حساس بود. از همان سنین کودکی با محبت بسیار ما را به مسجد می‌برد و برای خواندن نماز اول وقت و به جماعت تشویق می‌کرد. به قول عامیانه چقدر قربون سدفه با می‌رفت و ما را با همین اخلاق به سوی مسجد و محراب می‌کشاند. هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم ۸ و یا ۹ سالگی خود را در دوران دفاع مقدس سرانجام ۶۱ به بعد در یکی از اتاق‌های مسجد همیشه بچه‌ها را جمع می‌کرد و هر هفته کلاس قرآنی را برپا می‌کرد و قرآن آموزش می‌داد. من با افتخار یکی از شاگردان پدر بودم. در جمع ما دوستانی بودند که بعداً با اعزام به جبهه به فیض شهادت نائل آمدند. تا سالیان طولانی آن محفل ادامه داشت. پدر یکی از اساتید این محفل بود او با اخلاقش ما را دور خود جمع می‌کرد.

